

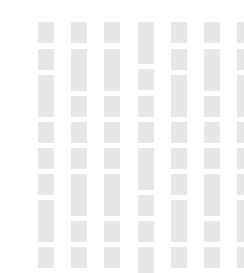
روزنامه

سه‌شنبه ۸ مهر ۱۴۰۴

شماره ۴۵۱۸

فآر هیکه تeganaily.com

فآر هیکه Teganonline



حال و روز مجری و برخی شرکت‌کنندگان برنامهٔ مبتذل «عشق ابدی» خوب نیست

به خاطر یک مشت لیر



عطیه همتی پژوهشگر فرهنگی

بعد از پایان یافتن فصل اول برنامه به اصطلاح ریالیتی شو «عشق ابدی» که با حواشی زیادی همراه بود طبق پیش‌بینی‌ها فصل دوم آن نیز بلافاصله و بدون کوچک‌ترین تأخیری منتشر شد اما حواشی و اتفاقات دنباله‌دار فصل اول همچنان ادامه دارد و شرکت‌کنندگان آن در اکانت‌های خود در پلتفرم‌های مختلف اظهارنظر‌های حاشیه‌سازی داشته‌اند. اتفاقاتی که نشان می‌دهد شرکت در این برنامه چندان هم به نفعشان نبوده و با اینکه آن‌ها را به شهرت قابل توجهی رسانده، سلامت روان و آرامش زندگی شخصیشان را به‌هم زده است. با وجود دیده شدن عشق ابدی در پلتفرم‌های اینترنتی اما کامنت‌ها و اظهارنظر‌های مخاطبان پای پست‌ها نشان از فاصله‌گذاری آن‌ها با محتوای این برنامه و اتفاقات حول آن دارد تا جایی که برخی شرکت‌کنندگان و عوامل را مجبور به توضیح دادن دربارهٔ آن کرده است. حتی مجری این برنامه در یک گفت‌وگو اعتراف می‌کند که به علت مشکلات مالی اجرای این برنامه را به عهده گرفته است.

با وجود آنکه عشق ابدی برنامه قوی و مهمی نیست و شاید چندسال دیگر محتوا و اتفاقات داخل آن در خاطر هیچ‌کدام از بینندگان نماند اما آنچه که آن را مهم و مورد توجه متولیان اجتماعی و فرهنگی قرار داده، ویوهای میلیونی این برنامه در کنار قسمت‌های پرتعداد و همچنین ادعاهای سازندگان آن در مشابهت با واقعیت‌های روابط عاطفی جوانان امروز ایران است. در کنار این موضوع اگر روزی شاهد شوهای مشابه آن در لس آنجلس و شبکه‌های ماهواره‌ای برویم امروز همسایه غربی کار ساخت برنامه‌هایی مغایر با فرهنگ ایرانی را ارزان‌تر و دم‌دمی‌تر و نزدیک‌تر کرده است که حتماً در آمد بیشتری نیز دارد. برای همین کارخانه برنامه‌سازی که با «عشق ابدی» شروع شده در پروژه جدید خود «زن روز» را نیز ساخته است.

اما جدای از ادعاها و نمایش‌های نشان داده‌شده توسط سازندگان این برنامه، در این تولید نامرغوب نه ایرانی بلکه فارسی چه نکات قابل توجهی وجود دارد؟

تولید ناموفق اما پربیننده

عشق ابدی که در هر دو فصل خود تا اینجا کار تلاش کرده با استفاده از بلاگرهای با دنبال‌کننده بالا در شبکه‌های اجتماعی خودش را وایرال کند در نهایت آن‌طور که توقع داشت نتوانست از شبکه‌سازی و ایجاد رابطه با آن‌ها تبدیل به یک برنامه موفق شود؛ چراکه انتخاب‌های درستی نداشت و نه‌تنها منجر به همراهی آن‌ها بعد از برنامه با گروه نشد بلکه برخی از آن‌ها افشاگری‌هایی انجام دادند که ماهیت برنامه را زیر سؤال می‌برد و حتی عوامل این برنامه را مجبور به توضیح کرد. این در حالی است که بسیاری از شوهایی از این دست، با شخصیت‌های خود می‌توانند یک هلدینگ تبلیغاتی ترتیب بدهند و از آن‌ها حسابی استفاده تبلیغاتی کنند و حتی از شخصیت و کاراکتر آن‌ها در برنامه‌های بعدی خود استفاده کنند. اما عشق ابدی به نظر می‌رسد نتوانسته در کاراکتر‌های فصل اول خود به دلیل همان انتخاب‌های ناموفق چنین ترتیبی اتخاذ کند.

یکی دیگر از دلایل عدم موفقیت عشق ابدی را می‌توان افشا شدن پایان آن چه در فصل اول و چه در فصل دوم نامید. با اینکه برندگان یک مسابقه همواره جزهٔ رازها و جذابیت‌های آن برنامه هستند اما افشای پایان برنامه از همان روزهای ابتدایی، تعلیق مورد نیاز برای دنبال کردن آن را از بین برد. اما آنچه که عشق ابدی و برنامه‌های این چنینی را پربیننده کرده است، شیوه ساخت و قدرت آن نیست بلکه ابتدالی است که پیش از این در نسخه‌های فارسی کم‌تر سراغ داشتیم و ابتذال، همواره

به دنبال قاچاقچیان فرهنگ بگردید!



محمدحسین سلطانی خبرنگار گروه فرهنگ

سال ۱۳۸۳، در بساط دستفروشی‌های خیابان انقلاب به جز کتاب‌های صادق هدایت و کسروی، یک سی‌دی با جلد صورت خولین یک دختر دیده می‌شد، روی جلد با فونت ۳۶ نوشته شده بود اولین اثر مسعود ده‌منکی. کنار اسم دهمنکی با فونت ۴۸ یک عبارت جا خوش کرده بود: «فقر و فحشا». «فقر و فحشا» یک مستند ساختار شکن بود که خیلی‌روز لقب پر فروش‌ترین محصول فرهنگی آن روزها را از آن خود کرد. مستند دهمنکی قرار بود فقط برای مسئولان پخش شود اما ناگهان نقل تمام محافل شد. از سمت مراجع، فیلم مورد بحث قرار گرفت و پای دهمنکی به دادگاه کشیده شد. «فقر و فحشا» می‌خواست بین دو مسئله ارتباط برقرار کند؛ فقر و قاچاق دختران ایرانی. ۱۳ سال بعد مستند دیگری پخش شد که به اندازه فقر و فحشا گل نکرد. نامش «پول و پورن» بود و خطی کشید روی گزاره دهمنکی. «پول و پورن» گفت قاچاق دختران ربطی به فقر ندارد و اتفاقاً موضوع مربوط است به طبقه متوسطی‌ها. داستان کمی جلوتر رفت و اصلاً این بحث در محافل به جریان افتاد که آیا مهاجرت عده‌ای به ترکیه و امارات برای مدلینگ و یا سوپر مدل شدن مساوی است با قاچاق انسان؟ حالا از سال ۸۳ بیست‌ویک سال گذشته و برنامه‌ای در ترکیه با لا می‌آید به نام «عشق ابدی» که در آن همه مدل هستند، مدل‌هایی که معلوم نیست از کجا سر بر آورده‌ند.

این خبر تلخی است اما عشق ابدی مسیری را شروع کرده که ادامه‌دار خواهد بود. واژه‌ای در چند سال اخیر در ایران راه افتاد به اسم انقلاب جنسی و مثل خیلی از عبارات‌های ترند شده روزگار ما زیر زبان عده‌ای از تحلیل‌گران مزه مزه کرد و بعد از گذشت چند ماه از دایره ترندها کنار رفت. با این حال انقلاب جنسی در ایران درست به نقطه عشق ابدی رسیده است. شرح مفصل اینکه چه شد که به اینجا رسیدیم از حوصله ما و بحث خارج است و بماند برای آن‌هایی که دستشان در بافتن آسمان و ریسمان تند است. در این مسئله فقط به همین پرسش اکتفا کنیم که آیا در اوایل دهه نود کسی گمان می‌کرد چنین مسابقه‌ای تولید شود؟ حالا بیایید این سؤال را کنار بگذاریم و برویم سراغ ابهام

بینندگان خودش را تضمین کرده است؛ چراکه قبح‌شکنی همواره توانسته حساسیت مخاطبان را درگیر کند.

اعترافات خانم مجری و تحقیر توسط همکاران

بعد از انتشار این برنامه در یوتیوب و مواجهه مخاطب ایرانی با چنین محتوایی، بسیاری از چهره‌های سرشناس هنری واکنش‌های منفی نشان دادند. برخی از آن‌ها حتی رفتار‌های ترحم‌آمیزی نسبت به پرستو صالحی، مجری این برنامه داشتند و معتقد بودند چنین برنامه‌ای اصلاً با شخصیت و کاراکتر صالحی همخوانی ندارد بلکه احتمالاً او برای پول ناچار به قبول اجرای چنین برنامه‌ای شده است. این در حالی است که صالحی همان روز‌ها با شرکت در برنامه‌های مختلف و همچنین لایوهای اینستاگرامی واکنش‌های تندی به مخالفان برنامه‌اش نشان می‌داد و می‌گفت اگر چنین محتوایی را دوست ندارند، صداسیمای جمهوری اسلامی ایران را ببینند. این در حالی است که بعد از پایان فصل اول برنامه و واکنش‌های تند مخاطبان او عقب‌نشینی زیادی داشت و اعتراف کرد که برای پول پذیرفته چنین برنامه‌ای را اجرا کند و اصلاً چیزی از ریالیتی شوها سر در نمی‌آورده و هیچ تجربه‌ای نیز در این زمینه نداشته است. حواشی ایجاد شده برای عشق ابدی و افشاگری‌های متعدد درباره این برنامه به حدی بود که صالحی اعتراف می‌کند که در حین این برنامه متوجه برخی از آن‌ها مانند روابط عاطفی خارج از برنامه و زیرپا گذاشتن شرط اصلی برنامه توسط شرکت‌کننده‌ها شده اما به خاطر آنکه پروژه شکست نخورد و به برنامه آسیبی نرسد، از مطرح کردن آن در برنامه خودداری کرده است، به‌طوری‌که خودش معترف است آن وقت اسم برنامه را باید به جای «عشق ابدی»، «خیانت ابدی» می‌گذاشتند. با وجود آنکه مجری شبکه ضدایرانی اینترنت‌شال در گفت‌وگو با صالحی به علت دیده‌شدن این برنامه به صالحی تریک می‌گوید اما او در اظهارنظرهایش بابت برخی از لحظات این برنامه متأسف است و اعتراف می‌کند که همپای مردم این برنامه را دیده و خودش از این لحظات خبری نداشته است. اظهارنظر‌ها و تأسف‌های خانم مجری البته گویا آنقدر زیاد نیست که از خیر پول فصل دوم بگذرد؛ چراکه



مجری فصل دوم این برنامه هم خود خانم صالحی است.

شهرت سیاه؛ سرنوشت شرکت‌کنندگان

عشق ابدی آنقدر در فصل اول ناکام بود که برخی شرکت‌کننده‌های آن از این برنامه به عنوان یک اسکو پدیکم یاد می‌کنند و بابت برخی رفتار‌های زنده‌ای که در این برنامه داشتند از بینندگانشان عذرخواهی می‌کنند. برخی نیز اعتراف می‌کنند که به تشویق عوامل پشت صحنه و کارگردانی به این دست رفتار‌ها مجبور شده‌اند تا این برنامه صحنه‌های وایرال‌خور در فضای مجازی داشته باشد. عشق ابدی در سکانس پایانی نیز ناموفق بود و در انتهای تصویر، بیننده‌ها شاهد بحث و جدل زوج‌هایی بودند که نتوانستند برنده شوند. حتی گروه موسیقی دعوت شده در این مراسم نیز در پخش حضور نداشتند، چون پولی که در ازای این کار می‌خواستند را عوامل برنامه نخواستند پرداخت کنند. در تمام روزهای پخش، شرکت‌کنندگان عکیده یکدیگر ویدئو ساختند و متناسب با محتوای برنامه مجبور به توضیح و یا واکنش شدند. در اقدامی، صفحه فروشگاه اینترنتی یکی از شرکت‌کنندگان به علت رپورت‌های متعدد کاربران از دسترس خارج شد تا این شرکت‌کننده اعلام کند این صفحه منبع درآمدش بوده و با این کار دچار مشکل خواهد شد. افشاگری‌های سریالی شرکت‌کنندگان از همدیگر نیز یکی دیگر از اتفاقات کشتار این برنامه بود. افشای دروغ، دزدی، باج‌گیری شرکت‌کنندگان از هم و توضیحات آن‌ها برای این موضوعات هنوز که هنوز است ادامه دارد. اگرچه ممکن است نوعی ترفند تبلیغاتی نیز باشد اما مصاحبه‌های اینترنتی برخی از آنان این موضوع را نشان نمی‌دهد. یکی از دختران عشق ابدی در گفت‌وگو با اینترنت‌شال گفت به علت فشار‌های ناشی از این برنامه و واکنش‌های تند مخاطبان چندین بار قصد خودکشی داشته است.

فیلم‌های منتشرشده یکی دیگر از شرکت‌کنندگان در یک برنامه با موضوع «عفاف و حجاب» در شبکه سوم سیمما نیز برایش گران تمام شد، چون اظهارنظر‌های این شرکت‌کننده با آنچه در صداسیمما شاهد بودیم تفاوت فاحشی داشت و حتی او با نام متفاوتی در عشق ابدی

۳. چند روز قبل مجری برنامه یعنی پرستو صالحی اعلام می‌کند عشق ابدی، همان خیانت ابدی است و بسیاری از شرکت‌کنندگان پیش از برنامه با اشخاص دیگری رابطه داشته‌اند و حین برنامه وارد جریان روابط آزاد شده‌اند و خودش به خاطر شرایط مالی بد حاضر به اجرای این برنامه شده. با این حال صالحی پس از اتمام فصل اول، فصل دوم را هم اجرا می‌کند که اگر اگر است بعداً دچار عذاب وجدان شود، موضوع فصل و درخو تو به کردن باشد(!) با این همه یک سؤال مطرح است و آن هم اینکه این حجم از مدل ایرانی در ترکیه دقیقاً از چه مسیری به این کشور سفر کرده‌اند و چطور سر از آب بیرون آوردند؟ مدل‌هایی که به قدری با فضای جامعه جدید خو گرفته‌اند که حاضر به پذیرش هرگونه روابط آزاد هستند.

۴. مسئله لاايلندهای آمریکایی با عشق ابدی ایرانی یک تفاوت جدی دارد. در لاايلند بحث اصلی بر سر جدال عشقی است و همین روابط مثلی ایجاد تعلیق می‌کند، درصورتی که آنچه عشق ابدی ایرانی را برای مخاطب جذاب می‌کند، سوای این مثلث و مرع‌های عشقی، تعارض فرهنگی میان افراد وارد شده به این برنامه با خود کانئست آن مسئله‌ای است که مدل‌های شرقی آن را برای مخاطبان جذاب می‌کند. تقابل شرکت‌کنندگان عشق ابدی با مسئله غیرت و نظام رفتاری ایرانی در رابطه با روابط آزاد، ویلای این برنامه را بدل به محل فایت‌هایی ذیل تعارض فرهنگی ایجاد شده می‌کند. نکته عجیب اینجاست که برخلاف مدل آمریکایی این برنامه که ۳۰ تا ۴۰ قسمت بیشتر نیست، ۱۰۰ قسمت ساخته می‌شود و این یعنی تعارض بین فرهنگ ایرانی و این شکل از روابط آزاد به حدی بوده که سازندگان ترک آن تا می‌شده دورپیشان را روی این مسئله متمرکز کرده‌اند. تعارضاتی که سوای آنچه در تصویر دیده می‌شود یک جدال هویتی برای مخاطبان پدید می‌آورد.

۵. تقریباً همه روی این موضوع که عشق ابدی، ابتذال محض و یک تولید ضعیف است اتفاق نظر دارند اما مسئله اینجاست؛ پرسش هویتی که پس از تماشای عشق ابدی برایشان پیش می‌آید و بعضاً از آن فرار می‌کنیم چیست؟ آیا از این می‌ترسیم که زمانه ما را به سمتی برد که خیانت‌ها و تغییرات در روابط به مانند عشق ابدی بشود؟ آیا ما خودمان هم درگیر چنین تعارضاتی بین روابط آزاد و فرهنگ شرعی و عرفی‌مان هستیم؟ آیا عشق ابدی آمده است که این وضعیت را به شکلی عریان

ظاهر شده بود که مورد تمسخر کاربران قرار گرفت. افشاگری‌ها درباره میزان سواد و تحصیلات و حتی ادعاهای این شرکت‌کنندگان در این برنامه نیز از آن‌ها یک کاراکتر دروغگو ساخت که به جای آنکه این برنامه برایشان سکوی پرتابی برای برند شخصیشان باشد، شهرت سیاهی برایشان ایجاد کرد. تنها آورده ممکن برای برخی شرکت‌کنندگان تا اینجا ی کار تولید ویدئوهای افشاگرانه در یوتیوب درباره اتفاقات پشت صحنه و تحقیر دیگر شرکت‌کنندگان و دهن‌کجی به آن‌هاست تا بتوانند از این شهرت ایجاد شده برای خودشان درآمذایی آن هم به این شکل ایجاد کنند.

آیا عشق ابدی تصویرسانسور نشده از جوان ایرانی است؟

از ابتدای شروع عشق ابدی، چه سازندگان و مجری این برنامه و چه بسیاری از برنامه‌سازان شبکه‌های فارسی‌زبان ضدایرانی ادعا کردند این برنامه واقعتاً امروز و غیرنهنان جوانان ایرانی است که داخل ایران سانسور می‌شود. اما نگاهی به شغل و فعالیت شرکت‌کنندگان برنامه و کامنت‌های مخاطبان، این موضوع را قویاً تکذیب می‌کند. دیجی، رپر، مدلینگ، توکار، یوتیوبر، رقصنگی و بلاگری اغلب شغل‌های شرکت‌کنندگان این برنامه را تشکیل می‌دهد. فیلم‌های منتشرشده از دختران عشق ابدی نیز نشان از فعالیت آنان به عنوان رقصنده در حاشیه موزیک‌ویدئوهای خواننده‌های رپ و ترکی است. آیا این مشاغل نماینده مشاغل دختران و پسران ایرانی است؟ آیا می‌توان این شرکت‌کننده‌ها را نماینده‌های ایران دانست؟

پرستو صالحی در بخشی از صحبت‌های خود می‌گوید خیانت برخی شرکت‌کننده‌ها برایش لو می‌رود اما برای طرف ترکی این موضوع چندان اهمیت نداشت؛ چراکه ترک‌ها مانند ایرانیان خیانت برایشان قبح زیادی ندارد و چندان غیرطبیعی نیست. جدا از کاراکتر شرکت‌کنندگان، این برنامه دقیقاً چه آلمان‌های ایرانی از غذا تا لباس‌ها و نوع بازی‌ها و تقریحات دارد که نشان از فرهنگ و یا حتی سنت ایرانی است که آن را ایرانی بدانیم.

عشق ابدی تا کجا ادامه دارد؟

اگر سری به صفحه مجازی عشق ابدی بزیند، می‌بینید که همچنان برای فصل‌های بعد به دنبال شرکت‌کننده می‌گردد و اگر نگاهی نیز به بینندگان آن بیندازید، می‌بینید بیشتر از آنکه معیار‌ها روی شخصیت و وزن بالای اجتماعی آنان باشد، روی جذابیت‌های جنسی و مبتذل آن‌هاست. گویا عوامل این برنامه چندان هم بدشان نمی‌آید که این برنامه ناموفق به لحاظ ساخت و تولید، با ابتذال‌های رایج در کشور همسایه جذب بیننده کند. به‌خصوص آنکه در فضای رسانه‌ای کشور ترکیه برخلاف ایران، پایاارتزی جایگاه ویژه‌ای دارد. اما آنچه که عشق ابدی و بازیدی‌های میلیونی آن پدید آورده، رشد قارچ‌گونه این دست برنامه‌ها با تکیه بر ابتذال است. همان‌طور که علاوه بر فصل ۲ ترکیه، مشابه این برنامه با ایرانیان کانادا نیز ساخته شده است. کشور همسایه که پیش از این دنبال راه‌اندازی یک شبکه فارسی‌زبان بود، این بار دارد با اجاره دادن استودیوهای خود به ایرانیان حاضر در استانبول با استفاده از عوامل ایرانی، تولید محتوای فارسی را در یوتیوب آغاز می‌کند و عشق ابدی ابتدای ماجراست و اگر روزی افول کند با فرم‌ها و شکل و شمایل و موضوع تازه‌تری باز خواهد گشت. چنانچه «زن روز» نیز دیگر تولید ایرانیان ساکن در ترکیه است که توانسته برای خودش مخاطب زیادی در کوتاه‌مدت دست‌وپا کند. برنامه‌ای که از سوی عوامل و سازندگان «عشق ابدی» بسیار پر‌مومت شد و می‌توان از قفل دوم عشق ابدی این بار با موضوع «فشن» نامید.

نمایش دهد تا شک هویتی را در مخاطب برانگیزد؟ مخاطب پس از تماشای عشق ابدی طرف کدام را می‌گیرد؟ رابطه آزاد یا فرهنگ ایرانی؟ آیا عشق برنده این برنامه ابدی است؟ ۶. عشق ابدی بازی بازنده‌هاست برای دیده‌شدن. از تولیدکننده گرفته تا حاضران در این برنامه، همه پیش از آغاز آن بازنده محض بودند. ترک‌ها که چند سالی می‌شود مخاطبان ایرانی را تا حدی از دست داده‌اند و از یک دیده‌شدن سرپال‌هایشان در دهه نود عبور کرده‌اند. صالحی مجری برنامه هم یک بازنده سیاسی است که نه در هنر جایی را فتح کرد و نه در سیاست قله فتح‌نشده باقی گذاشت. حاضران در برنامه هم چه در عرصه هنر و مدل و چه در زندگی شخصی خود به نقطه‌ای نرسیده‌اند و بین عبور با قایق بادی از ترکیه به یونان و عشق ابدی، گزینه دوم را انتخاب کرده‌اند. حالا در این شرایط عشق ابدی تبدیل به همان بی‌حیایی‌شده که سعی دارد محله‌ای را بدنام کند، بی‌حیایی که تنها راهش بی‌حیا بودن و بی‌حیا کردن است.

۷. شاید این عبارت عجیب به نظر برسد اما عشق ابدی حاصل کار قاچاقچیان است. روزگاری قاچاقچیان ترک و اماراتی عده‌ای از دختران ایرانی را به کشور ثالث می‌برند و به فروش می‌رسانند و حالا قاچاق فرهنگ و روابط ایرانی، سسوه کار همان قاچاقچیان شده است. حالا فروش و هرزه کردن یک انسان مسئله نیست، موضوع اصلی هرزه کردن رابطه و فرهنگ ایرانی است. فرهنگ در برابر مبتذل و سطحی‌ترین شکل از روابط که عشق و تعهد افراد در روابط بین فردی را بازپیمه هوس جمعی می‌کند و این یعنی به مرور زمان باید منتظر باشیم سطح روابط بین فردی هم در واکنش به این هوس جمعی دچار تغییر شود.

مسئله قاچاق دختران دیگر ارزش خبری ندارد، برخلاف اینکه هیچ چیز از ارزش انسانی موضوع کاسته نشده است. قاچاق دختران فاجعه بوده و هست. این را یک پیش‌بینی در نظر نگیرید اما باید بگوییم عشق ابدی هم فاجعه‌ای است که رسانه‌ها فراموشش می‌کنند اما ادامه پیدا خواهد کرد و پایش را به‌خط قرمزهای بیشتری می‌وارد می‌کند. برنامه‌ای که بعید نیست در سال‌های آتی به مانند مدل انگلیسی آن وارد دایره جدیدی از روابط و با پوشش‌های متعارف‌تر شود تا در برابر زمانه و رسانه بتواند خودش را زنده نگه دارد. بالاخره این‌ها قاچاقچی هستند و قاچاقچی‌ها همیشه مشغول کارند!